

بررسی و نقد امکان استمرار بازداشت موقت

(موضوع ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در پرتو قواعد بین‌الملل)

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۳۰

مهدی چگنی^۱

پویان بیگلری^۲

علی میرزاخانی^۳

چکیده

زمینه و هدف: یکی از قرارهای تأمین که در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است، قرار بازداشت موقت است. هدف این مقاله، بررسی سابقه تقنینی قرار بازداشت موقت در قوانین داخلی و شرایط صدور این قرار در معاهدات بین‌المللی و تفاوت‌های بازداشت ناشی از صدور قرار کفالت و وثیقه و قرار بازداشت موقت است.

روش: تحقیق حاضر از نظر ماهیت و روش، تحلیلی - توصیفی است و جمع‌آوری اطلاعات در آن از طریق بررسی اسنادی و فیش‌برداری بوده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: در مقررات بین‌المللی و قوانین داخلی ایران همواره سعی بر این بوده است که ضمن بیان دقیق ضوابط صدور قرار بازداشت موقت، این قرار به‌عنوان راهبردی مهم در فرآیند پیش‌برد پرونده‌های کیفری محسوب شود. در مورد تمدید قرار بازداشت موقت علیرغم اهتمام مقنن ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که شرایط تمدید بازداشت موقت را بیان می‌کند در معرض تفاسیر گوناگون قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: قرار، قرار بازداشت موقت، تمدید بازداشت موقت، نقض قانون.

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه آیت‌الله‌العظمی بروجردی (نویسنده مسئول)،

chegeni_isu@yahoo.com

۲. دکتری حقوق بین‌الملل pooyan.biglary@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آیت‌الله‌العظمی بروجردی،

amn61995@gmail.com

مقدمه

در ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در راستای رعایت حقوق متهم، حداکثر بازه زمانی را برای محدود کردن زمان بازداشت متهم در نظر گرفته است. همچنین، قاضی مکلف است هر یک ماه یا هر دو ماه تصمیم خود نسبت به قرار تأمین را مجدداً بررسی کند تا مشخص شود ضرورت دارد قرار صادره تمدید شود یا اینکه باید تصمیم دیگری نسبت به قرار گرفته شود. در ماده فوق‌الاشعار، برای ادامه بازداشت متهم دو شرط ذکر شده است؛ اول اینکه نباید از حداقل مجازات قانونی حبس آن جرم بیشتر باشد و دوم اینکه در مورد جرائم سلب حیات از دو سال و در سایر جرائم از یک سال بیشتر نباشد. اما در مورد این شروط ماده ابهاماتی به وجود می‌آید، اولاً بعد از اتمام مهلت‌های مقرر قانونی، چنانچه قاضی پرونده قرار تأمین وثیقه یا کفالت صادر کند و متهم از تودیع وثیقه یا معرفی کفیل ناتوان باشد چه قرار تأمین کیفری برای او صادر شود و آیا این امکان برای مقام قضایی وجود دارد که متهم مجدداً به واسطه صدور قرار تأمین بازداشت شود؟ ضمناً چگونه صدور قرار وثیقه یا کفالت برای جرائم مذکور در ماده ۲۳۷ خصوصاً در جرائم موجب سلب حیات قانون آیین دادرسی کیفری کافی است و خللی به جریان تحقیقات و رسیدگی پرونده وارد نمی‌کند یا اینکه باید تصمیم دیگری نسبت به قرار تأمین متهم گرفته شود؟

حل این ابهامات در ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری خصوصاً در مرحله دادرسی بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا از طرفی حفظ حقوق متهم و از طرف دیگر کشف حقیقت و اجرای عدالت در پرونده‌های کیفری می‌توانند این ماده را در معرض تفسیرهای متفاوت قرار دهند و به حقوق متهم خدشه وارد کنند. در موضوعات کیفری خصوصاً در جرائم موجب سلب حیات در مدت دو سال و در سایر جرائم در مدت زمان یک سال ممکن است پرونده منتهی به صدور قرار نهایی یا حکم دادگاه نشود و آزاد شدن متهم نیز در پرونده‌هایی مانند قتل عمد موجب اخلال در روند پرونده و حصول نتیجه آن شود و از طرف دیگر، بازداشت متهم نیز مغایر با حقوق وی و اصول حقوقی باشد. عده‌ای از حقوقدانان و رویه قضایی قائل به این هستند که می‌توان متهم را مجدداً در بازداشت نگه داشت. اما در مقابل، سایر حقوقدانان نظر مخالف دارند و مراد قانون‌گذار را بر این می‌دانند که از بازداشت مجدد متهم به هر نحوی جلوگیری شود.



قرار: قرار در لغت به معنی جاگرفتن، پابرجاشدن در جایی و آرام گرفتن است (عمید، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۵۷۲). قرار در اصطلاح به معنی تصمیم دادگاه در امر ترافیعی است که کلاً یا بعضاً قاطع خصومت نباشد (لنگرودی، ۱۳۹۶: ۵۳۱). قرارها به دو نوع تمهیدی یا مقدماتی یا اعدادی و نوع دوم قرارهای نهایی تقسیم می‌شوند. قرارهای مقدماتی قرارهایی هستند که صدور آنها از جانب مقام قضایی موجب خاتمه رسیدگی یا تحقیقات مقدماتی نیستند، بلکه تنها موجب فراهم شدن شرایط و زمینه اظهار نظر نهایی در موضوع پرونده می‌شوند. قرارهای تأمین از نوع قرارهای اعدادی محسوب می‌شوند. قرار نهایی قرار است که کار را در حدود موضوع خود خاتمه دهد و دادرسی با صدور آن خود را برای صدور حکم آماده نکند، مانند قرار رد در خواست (لنگرودی، ۱۳۹۶: ۵۳۲). می‌توان گفت که قرار عبارت است از تصمیم مرجع قضایی برای تکمیل تحقیقات یا اظهار نظر در مورد قابلیت یا عدم قابلیت محاکمه متهم در دادگاه (خالقی ۱۳۹۷، ج ۱: ۲۳۰).

بازداشت موقت: بازداشت موقت عبارت است از سلب آزادی متهم و زندانی کردن او در قسمتی از تحقیقات مقدماتی توسط مقام قضایی صالح (آشوری، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۲۳). در تعریف دیگری نیز بیان شده است منظور از بازداشت، در توقیف نگهداشتن متهم در طول تمام یا قسمتی از جریان تحقیقات مقدماتی است که امکان دارد تا خاتمه دادرسی و صدور حکم نهایی و شروع به اجرای آن ادامه یابد، هر چند کلیه قرارهایی که جنبه مالی دارند، مانند اخذ کفیل و وثیقه، اگر متهم قادر به انجام آن نباشد، به بازداشت متهم منجر می‌شود و نتیجه آن بازداشت موقت یکی خواهد بود. اما در بازداشت موقت با وجود امکان معرفی کفیل و سپردن وثیقه، باز هم متهم باید در بازداشت به سر برد (آخوندی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۵۴).

سوابق قرار بازداشت موقت در قوانین کیفری ایران و شرایط اعمال آن

قانون اصول محاکمات جزایی و اصلاحات آن: در قانون اصول محاکمات جزایی سال ۱۲۹۲ شمسی در ماده ۱۲۹ برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم چهار قرار «التزام عدم حرکت از محل اقامت و حاضر شدن برای استنطاق و محاکمه و اجرای حکم در مواقعی که متهم احضار می‌شود»، «ودیعہ گذاشتن وجه الضمانه»، «دادن کفیل» و «توقیف متهم»

پیش‌بینی شده بود. در ابتدا شرایط خاصی برای بازداشت موقت ذکر نشده بود، اما در اصلاحات بعدی در سال ۱۳۱۱ شمسی قانون‌گذار از لفظ توقیف احتیاطی در بند ۴ ماده ۱۲۹ استفاده کرد و در ماده ۱۳۰ مکرر نیز بازداشت موقت را در موارد چهارگانه‌ای مجاز دانست^۱ که سعی در تحدید موارد بازداشت موقت به جرائم مشخص و اوضاع و احوال خاص کرد. در اصلاحات انجام‌شده، قانون‌گذار صدور بازداشت موقت را جایز دانسته است؛ بدین معنا که مقام قضایی الزامی به صدور قرار بازداشت موقت نداشته و این قرار امری اختیاری بوده است. اما نکته دیگر آنکه علی‌رغم سعی قانون‌گذار در مشخص کردن حدود مرز برای قرار توقیف احتیاطی در بند ۳ ماده ۱۳۰ مکرر مواردی را ذکر کرده بود که اختیارات زیادی را به قاضی برای صدور توقیف احتیاطی می‌داد.

در اصلاحات سال ۱۳۵۲ با الحاق تبصره‌ای به ماده ۱۳۰ مکرر^۲ در موارد خاص اتهام به جرائم سرقت، کلاهبرداری، جعل یا استفاده از سند مجعول، بازداشت موقت پیش‌بینی شد. این در حالی بود که علاوه بر توجه اتهام بر پایه دلایل و قرائن به متهم باید سابقه یک مورد محکومیت قطعی یا حداقل دو مورد غیرقطعی جرائم مذکور علیه متهم در سابقه کیفری او وجود می‌داشت. اضافه شدن تبصره فوق به ماده ۱۳۰ مکرر موجب تحدید موارد بازداشت موقت و کاهش اختیارات قضات و در نتیجه حفظ حقوق متهم می‌شد.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸: قانون سال ۱۳۸۷، بازداشت موقت را به دو دسته بازداشت موقت اجباری و اختیاری تقسیم کرده بود. در ماده ۳۵ موارد اجباری بازداشت موقت و در ماده ۳۲ بازداشت موقت اختیاری در مواردی که مجازات قانونی آن اعدام، رجم، صلب، قطع عضو، جرائم عمدی موجب حداقل ۳ سال حبس و جرائم موضوع فصل اول کتاب

۱. ماده ۱۳۰ مکرر - در موارد ذیل توقیف متهم جایز است: در جنایات مطلقاً؛ در امور جنحه وقتی که متهم ولگرد بوده و کفیل یا وثیقه ندهد؛ در هر موردی که آزاد بودن متهم ممکن است موجب امحاء آثار و دلایل جرم شده یا باعث مواضعه و تبانی با شهود و مطلعین واقع شده یا سبب شود شهود از ادای شهادت امتناع کنند و همچنین در موقعی که بیم فرار یا پنهان شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری کرد.

۲. تبصره ماده ۱۳۰ مکرر: «در باره کسانی که سرقت یا کلاهبرداری یا جعل یا استفاده از سند مجعول مورد تعقیب قرار می‌گیرند، هرگاه دلایل و قرائن موجود، دلالت و توجه اتهام به آن‌ها کند و یک فقره سابقه محکومیت قطعی یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیرقطعی به علت ارتکاب هر یک از جرائم مذکور داشته باشند، قرار بازداشت موقت صادر خواهد شد».



پنجم تعزیرات (جرائم ضد امنیت داخلی و خارجی) در صورتی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به نحوی دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد، وجود داشت. البته قسمت اخیر، خود می‌تواند جهتی برای جلوگیری از صدور بازداشت موقت اختیاری طبق قانون سابق به حساب آید. همچنین، در قتل عمد به تقاضای اولیای دم برای اقامه بینه حداکثر به مدت شش ماه و در جرائم منافی عفت در صورتی که جنبه شخصی نداشته و آزاد بودن متهم موجب افساد باشد، صدور بازداشت موقت اختیاری پیش‌بینی شده بود.

اما موارد بازداشت موقت اجباری طبق ماده ۳۵ قانون سابق، علاوه بر اینکه شرایط صدور بازداشت موقت اختیاری را باید می‌داشت، قرائن و امارات موجه دال بر توجه اتهام به متهم شرط بود، ضمن اینکه بازداشت مقید تا زمان صدور حکم بدوی و کمتر از حداقل مجازات مقرر قانونی بود. موارد مذکور در بندهای «الف»، «ب»، «ج»، «و» و «ه» ماده ۳۵ قانون سال ۱۳۷۸ شامل قتل عمد، آدم‌ربایی، اسیدپاشی، محاربه، افساد فی الارض، جرائمی که مجازات قانونی آن اعدام یا حبس دائم است، سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء، خیانت در امانت، جعل، استفاده از سند مجعول و همچنین کلیه جرائمی که به موجب قوانین خاص مقرر شده باشد، بود که در مورد آن‌ها بازداشت اجباری پیش‌بینی شده بود. در این قانون، مقنن سعی بر نظام‌مند کردن بازداشت اجباری و اختیاری و شرایط آن‌ها داشت. اما ذکر مواردی که در آن‌ها قانون خاص مقرر شده است، این نظام را تا حد زیادی زیر سؤال برد. بیان این شرط که در بازداشت موقت طبق ماده ۳۵ می‌بایست قرائن و امارات موجود دلالت بر ارتکاب جرم توسط متهم داشته باشد، قاضی را مکلف می‌کرد که حتی در جرائم مذکور در ماده ۳۵ قانون فوق‌الاشعار نیز باید اتهام حسب قرائن و امارات معقول به متهم منتسب باشد و همچنین قانون‌گذار بازداشت موقت را به عنوان استثنائی بر اصل آزادی افراد پذیرفته بود که از این جهات، جانب احتیاط از سوی مقنن رعایت شده بود.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲: در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ در دو مورد امکان صدور بازداشت موقت وجود دارد؛ اولاً در جایی که به واسطه صدور قرار بازداشت موقت مستقیماً آزادی متهم از او سلب می‌شود و ثانیاً در جایی که به لحاظ عجز از معرفی کفیل یا وثیقه‌گذار، متهم به بازداشتگاه می‌رود. قانون‌گذار، بازداشت

موقت را در مورد عناوین مجرمانه خاصی پیش‌بینی کرده است. این عناوین در ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ ذکر شده است. برای موارد مذکور در ماده ۲۳۷ همان‌طور که در صدر ماده نیز بیان شده است صدور قرار بازداشت موقت جایز است. لذا در قانون سال ۱۳۹۲، بازداشت موقت اجباری یا الزامی وجود ندارد. تبصره ماده مذکور موارد بازداشت موقت الزامی موضوع قوانین خاص به جز جرائم نیروهای مسلح را ملغی کرده است و این خود تأییدی دیگر بر مراد قانون‌گذار بر حذف بازداشت موقت الزامی است. طبق نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای محترم نگهبان^۲، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام چنانچه مربوط به اختلاف مجلس شورای اسلامی و شورای محترم نگهبان باشند، تنها در صورتی قابل رد یا ابطال یا نسخ به وسیله مجلس هستند که زمان معتدبه از تصویب آن توسط مجمع گذشته باشد. با توجه به مطلب بیان شده، بازداشت‌های موقت قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس و ارتشاء که از موارد اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان است، ملغی می‌شود. این حکم در مورد بازداشت موقت سایر قوانینی که مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است و شروط ذکر شده نظریه تفسیری شورای نگهبان را دارا باشند نیز جاری می‌شود. بند «ت» ماده ۲۳۷ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، جنبه حمایتی بیشتری از

۱. ماده ۲۳۷ - صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست، مگر در مورد جرائم زیر که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند: الف) جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس ابد یا قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها ثلث دیه کامل یا بیش از آن است. ب) جرائم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است. پ) جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آن‌ها درجه پنج و بالاتر است. ت) ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود. ث) سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند «ب» این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرائم مذکور باشد.

تبصره - موارد بازداشت موقت الزامی، موضوع قوانین خاص، به جز قوانین ناظر بر جرائم نیروهای مسلح از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون ملغی است.

۲. «هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقص و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد، اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بوده، مجلس پس از گذشت زمان معتدبه که تغییر مصلحت موجه باشد، حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد، در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم له، موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی است.»



بانوان و اطفال را در نظر گرفته است که نکته مثبتی نسبت به قانون سابق به حساب می‌آید. علاوه بر اینکه بازداشت موقت در مورد جرائم خاص ماده ۲۳۷ صادر می‌شود، این قرار می‌باید حداقل با توجه به یکی از اوضاع و احوال ماده ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ صادر شود. همچنین، با توجه به ماده ۲۳۹، قرار صادره باید مستدل و موجه صادر شده باشد؛ یعنی بازپرس می‌بایست حسب قرائن و امارات معقول یکی از اتهامات ماده ۲۳۷ و شرایط ماده ۲۳۸ را نسبت به متهم محرز داند و این موارد را در قرار بازداشت موقت صادره ذکر کند. در قانون سال ۱۳۹۲، قرار بازداشت موقت طبق ماده ۲۷۰ توسط متهم قابل اعتراض است.

تمدید بازداشت موقت

همان‌طور که بیان شد، در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ بازداشت متهم ناشی از دو مورد است؛ یا به واسطه صدور قرار بازداشت موقت به عنوان قرار مستقل یا ناشی از عجز از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه است. اگرچه نتیجه هردوی این موارد بازداشت متهم است، اما از لحاظ حقوقی، تفاوت‌هایی در آثار و حقوق متهم بین آن‌ها وجود دارد که به‌طور خلاصه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

- طبق ماده ۲۴۰ آیین دادرسی کیفری، یک وظیفه برای بازپرس و یک وظیفه و یک حق برای دادستان پیش‌بینی شده است. بر این اساس، بازپرس مکلف است قرار بازداشت موقت خود را نزد دادستان ارسال کند، از طرفی دادستان هم وظیفه دارد در مهلت ۲۴ ساعت نسبت به آن اظهار نظر کند و این حق را دارد که با بازپرس در مورد صدور بازداشت موقت اختلاف کند. اما با دقت بیشتر در قانون آیین دادرسی کیفری می‌توان متوجه شد که چنین حق و تکلیفی برای بازداشت ناشی از عجز از معرفی کفیل و تودیع وثیقه وجود ندارد. پس این امتیازی است که قانون‌گذار برای متهم در قرار بازداشت موقت پیش‌بینی

۱. ماده ۲۳۸ - صدور قرار بازداشت موقت در موارد مذکور در ماده قبل، منوط به وجود یکی از شرایط زیر است: الف) آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقع شود یا سبب شود شهود از اداء شهادت امتناع کنند. ب) بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد. پ) آزاد بودن متهم مخل نظم عمومی، موجب به خطر افتادن جان شاک، شهود یا خانواده آن‌ها و خود متهم باشد.

- کرده است که از بازداشت بی‌جهت و غیرقانونی جلوگیری کند.
- قرار بازداشت موقت، شدیدترین قرار بازداشت کیفری است و آزادی متهم را از او سلب می‌کند. قانون‌گذار در مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ که پیش از این پیرامون آن‌ها مختصراً توضیح داده شد، شرایط خاصی را برای صدور این قرار ذکر کرده است. این قرار هم برای جرائم خاص و هم با توجه به اوضاع و احوال خاص صادر می‌شود، اما در قانون آیین دادرسی کیفری، شرایط اختصاصی به غیر از شرایط عمومی قرار تأمین کیفری که در صدر ماده ۲۱۷ و محدودیت تبصره همین ماده در قانون نیامده است، پس طبیعتاً بازداشت ناشی از صدور کفالت و وثیقه نیز سخت‌گیری‌های بازداشت موقت را ندارد؛ به ویژه معیار دقیقی برای اینکه در چه جرائمی قرار کفالت یا وثیقه صادر شود وجود ندارد و می‌تواند به حقوق متهم خدشه وارد کند.
- در ماده ۲۳۹، قرار بازداشت موقت برخلاف قرار وثیقه و کفالت باید مستدل و موجه باشد و ادله آن نیز در قرار ذکر شود. این دقت نظر قانون‌گذار به مانند حکم دادگاه و قرار نهایی دادرسی است که قاضی باید طبق مواد ۲۶۴ و ۲۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مستدل، مستند و موجه رأی خود اعم از قرار نهایی و حکم را صادر کند. این موضوع در مورد سایر قرارهای تأمین به چشم نمی‌خورد. هر چند باز پرس مواد استنادی شکلی را که با توجه به آن‌ها اقدام به صدور قرار کرده است ذکر می‌کند، اما موظف نیست که مستدل، علت صدور قرار تأمین را در آن ذکر کند.
- در بازداشت ناشی از عجز از معرفی کفیل و تودیع وثیقه، متهم هرگاه کفیل یا وثیقه معرفی کند، باز پرس با توجه به تبصره ماده ۲۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری ملزم به آزاد کردن متهم است یا به عبارتی، متهم خود می‌تواند به بازداشت پایان دهد. اما در صورت صدور قرار بازداشت موقت، متهم تنها می‌تواند از حقی که در ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ آمده است، استفاده کند و فک یا تخفیف قرار از باز پرس تقاضا کند و تصمیم نهایی در این مورد با باز پرس پرونده است.
- همان‌طور که از ماده ۲۴۲ مشخص است، ابقا قرارهای تأمین احتیاج به تأیید دادستان دارند، اما در مورد تخفیف یا فک قرار، تنها در بازداشت موقت احتیاج به تأیید دادستان وجود



دارد؛ یعنی اگر متهمی به لحاظ عجز از تودیع وثیقه در بازداشت به سر برد، بازپرس هر زمان بخواهد می‌تواند قرار او را فک کرده یا تخفیف دهد، اما اگر متهم به دلیل صدور قرار بازداشت موقت بازداشت باشد، فک، تبدیل و تخفیف قرار او نیاز به موافقت دادستان دارد. **تمدید بازداشت موقت موضوع ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری^۱**: مقنن در ماده ۲۴۲ سعی کرده است تمدید بازداشت موقت را به دقت مورد بررسی قرار دهد و ضوابط آن را تعیین کند. اهمیت این قرار به عنوان شدیدترین قرار تأمین کیفری که موجب سلب آزادی افراد می‌شود، ایجاب می‌کند که علی‌رغم مشکلات اجرایی آن به صورت دوره‌ای مورد نظارت قرار گیرند (طهماسبی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۵۵). شیوه نظارتی مذکور در قانون که هر یک ماه یا دوماه تکرار می‌شود، روشی مؤثر در جلوگیری از سلب آزادی بی‌جهت متهم است. در ماده ۲۴۲ قید شده است که مدت دوره‌ای نظارت بازداشت متهم در جرائم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده ۳۰۲، هر دوماه یکبار و در مورد سایر جرائم هر یک ماه یکبار است. این نظارت‌های دوره‌ای تا زمانی ادامه می‌یابد که بازداشت متهم از حداقل مجازات حبس قانونی متهم بیشتر نباشد. همچنین، این مدت بازداشت در جرائم موجب سلب حیات از دو سال و در مورد سایر جرائم از یک سال نباید تجاوز کند.

۱. هرگاه در جرائم موضوع بندهای «الف»، «ب»، «پ» و «ت» ماده ۳۰۲ این قانون، تا دو ماه و در سایر جرائم تا یک ماه به علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت بماند و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشود، بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین است. اگر علل موجهی برای بقای قرار وجود داشته باشد، با ذکر علل مزبور، قرار، ابقاء و مراتب به متهم ابلاغ می‌شود. متهم می‌تواند از این تصمیم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه صالح اعتراض کند. فک یا تخفیف قرار بدون نیاز به موافقت دادستان انجام می‌شود و ابقای تأمین باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است. هرگاه بازداشت متهم ادامه یابد، مقررات این ماده، حسب مورد، هر دو ماه یا هر یک ماه اعمال می‌شود. به هر حال، مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت، در جرائم موجب مجازات سلب حیات، مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرائم از یک سال تجاوز نمی‌کند.

تبصره ۱- نصاب حداکثر مدت بازداشت شامل مجموع قرارهای صادره در دادسرا و دادگاه است و سایر قرارهای منتهی به بازداشت متهم را نیز شامل می‌شود.

تبصره ۲- تکلیف بازپرس به اظهار نظر درباره درخواست متهم، موضوع ماده ۲۴۱ این قانون، در صورتی است که وفق این ماده، نسبت به قرار اظهار نظر نشده باشد.

- **نظر مخالفان تمدید بازداشت موقت بیش از حداکثر مهلت قانونی:** به نظر می‌رسد با توجه به متن ماده، مراد قانون‌گذار از وضع این مقرره این است که بازداشت متهم چه به واسطه قرار بازداشت موقت یا قرار منتهی به بازداشت متهم بیش از مهلت‌های مذکور ادامه نیابد و آزادی و حقوق اجتماعی شخص به خطر نیفتد. در عین حال، با توجه به تبصره ۱ این ماده باید گفت که قرار تأمین جدید هم باید به نحوی صادر شود که متهم قادر به تأمین آن باشد؛ زیرا از این تبصره چنین می‌توان استنباط کرد که از نظر مقنن، متهمی که به اندازه نصاب‌های فوق به هر جهتی در بازداشت بوده، نباید مجدداً و این بار تحت عنوان عجز از تودیع وثیقه یا معرفی کفیل بازداشت شود (خالقی، ۱۳۹۸: ۳۱۰). این تبصره، نصاب حداکثر مدت بازداشت بیان شده در ماده را شامل سایر قرارهای منتهی به بازداشت متهم نیز می‌داند. به عبارتی، مهلت‌های حداقل حبس مقرر در قانون و دو سال برای جرائم مستوجب سلب حیات یا یک سال برای سایر جرائم، شامل سایر قرارهای منتهی به بازداشت متهم نیز می‌شوند. در این دیدگاه، همان‌طور که ذکر شد بر این عقیده هستند که قرار تأمینی که برای متهم بعد از به اتمام رسیدن مهلت‌های مذکور، قرار بازداشت موقت یا منتهی به بازداشت متهم صادر می‌شود، به گونه‌ای تخفیف و تبدیل شود که متهم در بازداشت باقی نماند. به‌طور مثال، مجموع جراحات وارده بر مجنی علیه از جانب ضارب طبق گواهی پزشکی قانونی یک سوم دیهٔ مرد مسلمان است، بازپرس پرونده قرار وثیقه به مبلغ یک صد میلیون تومان صادر کرده است، اما متهم از تودیع وثیقه عاجز بوده و به همین سبب در بازداشت به سر می‌برد. حال بعد از اینکه هرماه بازداشت او تمدید شده است و همچنین اتهام او از جرائم موجب سلب حیات نیست، حداکثر مهلت بازداشت متهم طبق قسمت اخیر ماده ۲۴۲ و تبصرهٔ یک آن ماده حداکثر یک سال است، بازپرس پرونده اکنون وظیفه دارد که قرار متهم را به گونه‌ای تبدیل یا تخفیف کند که متهم مجدداً بازداشت نشود. چنانکه متهم توانایی معرفی کفیل را داشته باشد، قرار کفالت و در صورت عدم توانایی، قرار تأمین مناسب دیگری برای متهم صادر می‌شود. ادارهٔ حقوقی قوهٔ قضاییه نیز در نظریهٔ مشورتی^۱

۱. بند «د» نظریهٔ مشورتی شماره ۲۰۲۱/۹۳/۷ مورخ ۲۶/۸/۱۳۹۳: تکلیف بازپرس به فک یا تخفیف قرار تأمین بیانگر این معنی است که هدف قانون‌گذار از وضع و انشاء این ماده چنین بوده که فک یا تخفیف تأمین متهم باید به نحوی باشد که منجر به آزادی متهم شود.



خود پیرامون ماده ۲۴۲ بیان می‌کند که هدف قانون‌گذار از وضع این ماده این بوده است که تأمین جدید متهم منجر به آزادی او شود. این نظریه مشورتی، مقصود قانون‌گذار را از وضع این ماده به خوبی بیان می‌کند که نتیجه آن تداوم نیافتن بازداشت موقت برای مدتی بیش از مهلت‌های مذکور در ماده است. حال با توجه به موارد پیش، باید بیان داشت که شامل جرائم موجب سلب حیات که حداکثر مهلت ۲ ساله برای بازداشت آن‌ها تعیین شده است نیز می‌شود؛ زیرا که هدف قانون‌گذار از وضع قانون جدید این است که به یکسان‌سازی قوانین بپردازد و از موارد متناقض جلوگیری کند. این مقصود قانون‌گذار با توجه به تبصره ماده ۲۳۷ نیز به خوبی قابل استنباط است.

در پرونده بابک زنجانی اخلاک‌ر نظام اقتصادی نیز وکیل متهم با استناد به ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری، تقاضای فک قرار بازداشت موقت موکل خود را کرد. بابک زنجانی که به اتهام افساد فی الارض از طریق اخلال در نظام اقتصادی کشور که مستوجب مجازات سلب حیات است، پرونده او در جریان بود و متهم از تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۹ در بازداشت به سر می‌برد، دو سال بعد از آغاز بازداشت متهم، موکل وی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری که «در هر صورت در جرائم موجب سلب حیات، مدت بازداشت موقت از دو سال تجاوز نمی‌کند» و همچنین تبصره یک ماده که نصاب حداکثر مدت بازداشت متهم را شامل سایر قرارهای منتهی به بازداشت متهم می‌داند، تقاضای فک قرار بازداشت موقت به قراری که موجب آزادی متهم شود را داشت. در این مورد، دستگاه قضایی با در نظر گرفتن مصالح اجرایی از صدور قرار وثیقه و آزادی متهم خودداری کرد و بابک زنجانی تا زمان قطعی شدن محکومیت، بدون تبدیل قرار در بازداشت باقی ماند. این عمل دادگاه هر چند از لحاظ اجرایی توجیه‌پذیر بود، اما از لحاظ قانونی با ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مخالفت آشکار داشت و می‌تواند موجب شکل‌گیری رویه غلطی در فرآیند دادرسی کیفری و تضییع حقوق متهمان شود.

- **بررسی نظر موافقان تمدید بازداشت موقت بیش از حداکثر مهلت قانونی:** اما طبق نظر عده‌ای دیگر از حقوقدانان، می‌توان متهم را در جرائم موجب سلب حیات بیش از مدت دو سال نیز در بازداشت نگه داشت (طهماسبی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۵۶). این نظر که

رویه قضایی نیز هم‌جهت با آن است، بیان می‌کند حداکثر مدت ۲ سال بازداشت در جرائم موجب سلب حیات برای قرار بازداشت موقت است و بازپرس می‌تواند متهم را با قرار وثیقه یا کفالت منجر به بازداشت در بازداشت نگه دارد؛ چراکه قانون‌گذار مدت ۲ سال بازداشت را صرفاً برای بازداشت موقت و نه برای قرار منتهی به بازداشت متهم ذکر کرده است و نمی‌توان این مورد را به قرار کفالت و وثیقه نیز تسری داد. به‌طور مثال، فردی که متهم به قتل عمدی است و اکنون به موجب صدور قرار بازداشت موقت به مدت دو سال در بازداشت بوده است و پرونده او در دادسرا منتهی به صدور قرار نهایی یا حکم دادگاه نشده است، با فک قرار بازداشت موقت مقام قضایی می‌تواند با صدور وثیقه‌ای به مبلغ بالا مجدداً متهم را به لحاظ عجز از تودیع وثیقه تا زمانی که حداقل مدت مجازات قانونی حبس - در مورد قتل با توجه به ماده ۶۱۲ تعزیرات ۱۳۷۵ سه سال است - فرا برسد، در بازداشت نگه دارد. این دیدگاه نسبت به ماده ۲۴۲ همان‌طور که بیان شد، همراه با رویه قضایی است که با در نظر گرفتن مصالح قضایی از جمله حضور به موقع متهم، دسترسی به وی، جلوگیری از فرار متهم، جلوگیری از تضییع حقوق اولیاء دم، جلوگیری از به خطر افتان جان اولیاء دم یا شهود و حفظ آثار و مدارک جرم سعی می‌شود متهم مجدداً در بازداشت نگه‌داشته شود. شاید بتوان با کمی توجه بیشتر به روند پرونده‌های موجب مجازات سلب حیات و شخصیت برخی متهمان آن‌ها، دلایل فوق را بهتر درک کرد؛ فردی که متهم به تجاوز عنف است و مجازات اعدام در انتظار اوست را نمی‌توان با صدور قرار کفالت یا وثیقه آزاد گذاشت، هستند بسیاری از متهمان که حاضرند با تودیع وثیقه سنگین جهت فرار از مجازات سلب حیات هزینه کنند؛ چراکه طبق قاعده عقلی هیچ‌چیزی برای متهم مهم‌تر از حفظ جان خود نیست! می‌توان گفت در صورتی که متهم آزاد باشد، خصوصاً در جرائم موجب سلب حیات و در مرحله تحقیقات مقدماتی که بازپرس در حال جمع‌آوری دلایل و مستندات جرم است، به نتیجه رسیدن پرونده امری بسیار سخت و دشوار می‌شود؛ زیرا حتی اگر متهم فرار نیز نکند، این امکان برای او وجود دارد که دلایل و مستندات جرم را از بین ببرد و یا شهود پرونده را ارباب و تهدید کند و به دنبال آن حقوق مجنی علیه و اولیاء دم تضییع و احساسات عمومی جریحه‌دار شده و متهم نسبت به ارتکاب به اعمال مجرمانه بعدی شجاعت بیشتری پیدا می‌کند.



برای اینکه این نظر با تبصره ۱ ماده ۲۴۲ تعارض پیدا نکند، این تبصره اینگونه تفسیر می‌شود که تنها در مقام محاسبه حبس‌های ناشی از بازداشت بر اثر صدور قرارهای تأمینی است و حکم خاصی در مورد میزان این بازداشت از آن قابل برداشت نیست (طهماسبی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۵۶). این برداشت از تبصره ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری با جایگاه ماده که در مقام بازبینی بازداشت متهم است، هم‌خوانی ندارد؛ زیرا قانون‌گذار تبصره را در ارتباط با متن ماده ذکر می‌کند. در نظرات حقوقدان‌هایی که تداوم بازداشت موقت را ارجح می‌دانند، این استدلال و برداشت از ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ نیز وجود دارد که مقنن در عبارتی که حداکثر مهلت قانونی برای تداوم بازداشت متهم را حداقل مجازات حبس قانونی می‌داند از واژه «بازداشت» به صورت مطلق استفاده کرده است ولی در مورد قسمت اخیر ماده که مهلت‌های یک سال و دو سال را بیان می‌کند، عبارت «بازداشت موقت» ذکر کرده است که این قید نشان می‌دهد مهلت‌های یک سال و دو سال تنها مخصوص بازداشت موقت است و متهم می‌تواند با قرار وثیقه یا کفالت تا نصاب حداقل حبس مقرر در قانون در بازداشت بماند. در این تفسیر، عبارت حداقل حبس مقرر در قانون حاکم بر مهلت‌های یک سال و دو سال در قسمت بعدی ماده است (عابدی، ۱۳۹۸: ۲۶۷). این تفسیر از قانون نیز هرچند در ظاهر با متن ماده سازگار است و با تکیه بر اصول لفظی بیان شده است، اما به نظر می‌رسد ماده را باید با توجه به تبصره ذیل آن تفسیر کرد؛ آنجا که مقنن همان‌طور که پیش از این بیان شد در تبصره یک «نصاب حداکثر مدت بازداشت» را به صورت مطلق بیان کرده و در ادامه نیز آن را شامل سایر قرارهای منتهی به بازداشت متهم نیز می‌داند که نشان می‌دهد هم مهلت حداقل حبس مقرر در قانون و هم مهلت‌های یک سال و دو سال شامل قرار بازداشت موقت و سایر قرارهای منتهی به بازداشت متهم نیز می‌شود.

همان‌طور که پیش از این بیان شد، هدف بازپرس از ادامه بازداشت متهم به نتیجه رسیدن موضوع پرونده و جلوگیری از تضییع حقوق بزه‌دیدگان یا اولیاءدم است، اما باید دانست که امروزه با توجه به رشد سریع علم در عرصه‌های گوناگون خصوصاً در رشته پلیس علمی و رشته‌های دیگری مانند پزشکی قانونی، لازم است قضات، ضابطان و کارشناسان دادگستری دخیل در پرونده از دانش و فناوری‌های روز برای به نتیجه رسیدن پرونده استفاده کنند و این خلأ را نمی‌توان با افزایش مدت بازداشت موقت پر کرد.

- **نظر مختار:** همان‌طور که در مطالب قبل، نظرات مختلف مورد نقد و بررسی قرار گرفت، مشخص شد که هر کدام از این نظرات نقاط ضعف و قوت خود را دارند. علاوه بر آن باید دقت داشت که با توجه به ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری، دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد و حقوق طرفین دعوی را تضمین کند. چه بسا مواقعی در مواجهه با قانون در فرآیند دادرسی کیفری حقوق یکی از طرفین در معرض تضییع قرار گیرد که در چنین مواقعی بسنده کردن به متن صریح قانون و عدم تسری محدودیت‌ها به طریق صواب نزدیک‌تر باشد، همچنین استثنایی بودن بازداشت متهم نیز دلیل دیگری بر صحت این نظر است. به نظر می‌رسد دلایل گروهی که مخالف با تداوم بازداشت متهم هستند، نظر صحیح‌تری است و با حقوق متهم نیز سازگارتر است.

تعارض بازداشت متهم با اصول حقوقی: در ادامه مطالبی بیان خواهد شد که نشان می‌دهند بازداشت متهم با اصول حقوقی و حتی شرع انور هماهنگی ندارد.

- **اصل قانونی بودن جرم و مجازات:** اصل قانونی بودن جرم و مجازات از زمان مشروطه با متمم قانون مشروطه وارد قوانین داخلی ایران شد. این اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول یکصد و شصت و نهم^۱ و سی و ششم^۲ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. با دقت در این اصول قانونی می‌توان دریافت که تنها قانون‌گذار صالح است که می‌تواند آزادی‌های افراد جامعه را به موجب قانون محدود کند و نمی‌توان محدود کردن آزادی‌ها را به آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها سپرد. از سوی دیگر، حفظ حقوق و آزادی‌های مردم اقتضا می‌کند که همواره از تجاوز و تعدیات کارگزاران حکومتی در امان باشند. بنابراین، وجود قوانینی ثابت که در پناه آن شهروندان بتوانند آزادانه و بدون هراس، مناسبات اجتماعی خود را گسترش و سامان دهند، شرط تضمین این حقوق و آزادی‌ها است (اردبیلی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۱۸۴). یکی از مبانی مهم این اصل، اصل آزادی است؛ زیرا تمامی جرم‌انگاری‌های مقنن باعث محدود کردن آزادی‌های افراد جامعه می‌شود. بنابراین، برای حفظ حرمت و کرامت انسانی می‌بایست حدود آزادی‌های او مشخص شود (اردبیلی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۱۸۵-۱۸۴). از

۱. «هیچ فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود».

۲. «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد».



طرفی، قانون‌گذار در زمان قانون‌گذاری نمی‌تواند تمامی حالات ممکنه را پیش‌بینی کند. به همین جهت هنگامی که قضات می‌خواهند موضوعات را با قانون تطبیق دهند احتیاج به تفسیر قانون دارند. یکی از نتایج اصل قانونی بودن جرم و مجازات این است که قوانین به نفع متهم تفسیر شوند و نفع متهم در تفسیر قوانین کیفری لحاظ شود. در ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری با وجود آنکه قانون‌گذار سعی کرده در ماده مذکور تمامی حالات ممکن را پیش‌بینی کند، اما همان‌طور که بیان شد تفاسیر متفاوتی از ماده بیان می‌شود. اولاً باید دقت کرد در تفسیر قانون آیین دادرسی کیفری حتی‌الامکان به منطوق ماده کفایت کرد، ثانیاً در جایی که قانون‌گذار سکوت کرده یا اجمال وجود دارد، با توجه به سیر قانون‌گذاری مقنن، قوانین را به نفع متهم تفسیر کرد و آزادی‌های او را بی‌جهت به خطر نینداخت.

آیین‌نامه‌ها یکی از منابعی هستند که از سوی رئیس قوه قضاییه به جهت اجرای قوانین یا سیاست‌های قضایی نظام وضع می‌شوند. بخش‌نامه رئیس قوه قضاییه برای «ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها» در تاریخ ۹۵/۶/۱۷ شامل مواردی جهت کاهش تعداد زندانیان و افراد تحت بازداشت است. این بخش‌نامه ۳۳ ماده‌ای با توجه به سیاست‌های نظام در بخش قضایی که حاکم بر تمام قوانین می‌باشند، سیاست‌های مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در راستای کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و حفظ آزادی متهمان تصویب شده است. ماده ۲ بخش‌نامه^۱ به جهت کاهش موارد صدور قرار کفالت و وثیقه منجر به بازداشت است. بند «الف» این ماده صراحتاً ذکر می‌کند که قرارهای

۱. برای اجتناب هر چه بیشتر از موارد صدور قرار کفالت یا وثیقه منجر به بازداشت، لازم است: الف) صدور قرار تأمین حتی‌الامکان به نحوی انجام پذیرد تا متهم فرصت کافی جهت معرفی کفیل یا تودیع وثیقه داشته باشد. ب) مرجع صادرکننده قرار، رئیس یا معاون زندان مطابق تبصره ماده ۲۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مکلفاند تمهیدات لازم را به منظور دسترسی متهم به افرادی که وی برای یافتن کفیل یا وثیقه‌گذار معرفی می‌کند، فراهم کنند. ج) در صورت معرفی کفیل یا تودیع وثیقه، در وقت یا خارج از وقت اداری و در صورت وجود شرایط قانونی، مرجع صادرکننده قرار یا قاضی کشیک، وفق مقررات مکلف به پذیرش آن می‌باشند. د) دادستان‌ها باید ترتیبی اتخاذ کنند تا در صورت معرفی کفیل یا تودیع وثیقه (در وقت یا خارج از وقت اداری) و فراهم بودن موجبات پذیرش تأمین، متهم به زندان معرفی نشود. (تبصره - در هر مورد که قرار کفالت یا وثیقه منجر به بازداشت متهم شده است با نظارت دادستان ترتیبی اتخاذ شود که اوراق لازم در خارج از وقت اداری در دسترس قاضی کشیک قرار گیرد). ه) دادستان‌ها و سرپرستان نواحی دادرسی موظفاند بر صحت اجرای این ماده نظارت دقیق کنند.

کفالت و وثیقه باید حتی الامکان توسط مقام قضایی به نحوی صادر شود که باعث بازداشت متهم نشود. همچنین، با توجه به سایر بندها و تبصره این ماده می‌توان دریافت که سعی مسئولان قضایی بر این است که متهم در اسرع وقت از بازداشت خارج شود. ماده ۴^۱، تمامی دادستان‌های عمومی و انقلاب را مکلف می‌کند که بر قرارهای تأمین صادره از سوی قضات دادسرا نظارت کرده و از قرارهای غیرمتناسب یا عدم پذیرش به موقع تأمین توسط قضات جلوگیری کنند. در ادامه، ماده ۱۲ این بخش‌نامه قضات را مکلف می‌کند در مواردی که حداقل حبس آن کمتر از ۶ ماه یا فاقد مجازات حبس باشد در صورتی که متهم قادر به سپردن تأمین مناسب نباشد، پرونده فوراً با صدور کیفرخواست در دادگاه مطرح شود. همگی موارد بیان شده حاکی از این است که سیاست مسئولان قضایی بر این است که حتی الامکان از بازداشت متهم جلوگیری شود و حقوق متهم دست‌خوش تفسیرها و قضاوت‌های نابه‌جا قرار نگیرد.

- ضروری بودن حکم (سوءاستفاده از حق) تمدید بازداشت موقت: قاعده لاضرر
یکی از قواعد فقهی است که در بسیاری از ابواب فقه به عنوان حکم ثانویه محسوب و سرتاسر فقه اسلامی حکومت می‌کند و در بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی به کار برده می‌شود. معروف‌ترین حدیث در این مورد، مربوط به داستان سمره بن جندب است که در آن جمله معروف «لاضرر و لاضرار» آمده است. البته این جمله به طرق گوناگونی نقل شده، گاهی عبارت در ادامه آن «علی مؤمن» و گاهی در ادامه آن «فی الاسلام» آمده است که تفاوتی در مضمون قاعده لاضرر ایجاد نمی‌کند (نراقی، ۱۳۷۳ق، ج ۲: ۲۰۱؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹ق، ج ۱: ۱۷۶). قاعده لاضرر در مقام بیان حکم تکلیفی بر مبنای نهی مردم از اضرار به یکدیگر و ترتب عقاب بر اعمال زیان‌بار نیست، بلکه مفید آن است که اولاً احکام الهی

۱. ماده ۴ - دادستان‌های عمومی و انقلاب شهرستان‌ها و سرپرستان نواحی دادسرا در شهرهای بزرگ مکلفانند بر کلیه قرارهای صادره منجر به بازداشت توسط قضات دادسراها نظارت کرده و به ضرورت تناسب قرارها و پذیرش تأمین‌های معرفی شده توجه کنند تا صدور قرارهای نامتناسب یا عدم پذیرش به موقع تأمین، موجب زندانی شدن افراد نشود و باید روزانه آمار بازداشتی‌های دادسرا را بررسی کرده و دستورات لازم را صادر کنند. همچنین، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور موظف است در مقاطع سه‌ماهه نسبت به اعلام اسامی زندانیان تحت قرار به تفکیک استان به دادستان کل کشور اقدام کنند. دادستان کل کشور مکلف است در خصوص تعیین تکلیف وضعیت این افراد پیگیری و اقدامات لازم را در اسرع وقت انجام دهد و گزارش اقدامات انجام شده را هر سه ماه یکبار به حوزه ریاست قوه قضاییه اعلام کند.



اعم از وضعی و تکلیفی بر مبنای نفی ضرر بر مردم وضع شده و ثانیاً چنانچه مشمول قوانین و مقررات اجتماعی در موارد خاص موجب زیان بعضی توسط بعضی دیگر شود، آن قوانین مرتفع‌اند (محقق داماد، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۵۱). پس قاعده‌لاضرر شامل قوانینی که موجب زیان به افراد جامعه هستند نیز می‌شود و آن‌ها را از نظر شرع اسلام فاقد وجهه قانونی می‌داند. بحث در مورد اصل ضرر نیز در حقوق کشورهای غربی از صده نوزدهم میلادی آغاز شد. این اصل که به دنبال جمع کردن آزادی افراد و قانون بوده است، از دو اصل اساسی در مورد رابطه فرد با جامعه و جامعه با فرد تشکیل می‌شود: ۱- هیچ فرد انسانی را نمی‌توان به علت اعمالی که انجام می‌دهد، هنگامی که آن اعمال به مصالح کسی جز مصالح خویش لطمه نمی‌زند، مورد بازخواست اجتماع قرارداد. ۲- هر فرد انسانی به علت ارتکاب اعمالی که به مصالح دیگران لطمه می‌زند، بازخواست شدنی است و اگر جامعه احساس کند که می‌تواند رفتار وی را با به کار بردن تنبیهات اجتماعی یا قانونی اصلاح کند، در آن صورت مجاز است هر کدام از این دو وسیله را که ضروری تشخیص داد، در مورد وی به کار برد (میل، ۱۳۸۵، ج ۵: ۲۰).

از آنجایی که بازداشت موقت می‌تواند به عنوان تنبیه علیه کسی که اتهام متوجه اوست به کار برده شود و جامعه می‌تواند رفتار متهم را به وسیله تنبیه‌های اجتماعی و قانونی که یکی از روش‌های آن بازداشت متهم است، اصلاح کند، اما در تزامم اصل ضرر و قاعده‌لاضرر باید گفت تا جایی می‌توان هر جا به وسیله تنبیهات اجتماعی و قانونی مورد اصلاح قرار داد که موجب آزار او نشود یا به تعبیر بهتر موجب سوءاستفاده از حق توسط صاحبان آن علیه متهم نشود، بلکه در هر جا که حقی برخلاف هدف‌های اقتصادی یا سیاسی آن مورد استفاده قرار می‌گیرد و اختیاری که به صاحب حق داده شده از مسیر دلخواه اجتماعی خارج می‌شود، از حق سوءاستفاده شده است (کاتوزیان، ۱۳۵۸: ۱۱۱-۱۱۰).

- **اصول ۳۲ و ۳۷ قانون اساسی:** در اصول مختلف قانون اساسی مواردی برای صیانت از امنیت شخصی افراد پیش‌بینی شده است؛ اصل قانونی بودن جرم و مجازات، مصونیت مکالمات و مکاتبات افراد و جلوگیری از تجسس و استراق سمع از آن جمله است. در قانون اساسی همچنین به جهت صیانت امنیت اشخاص، بازداشت موقت را در موارد

استثنائی پذیرفته است. اصل بر این است که هیچ‌گونه بازداشتی مگر آنکه از سوی مقامات قضایی صالح صادر شده باشد ممکن نیست که این امر به جهت جلوگیری از سوءاستفاده قدرت‌ها است (قاضی «شریعت پناهی»، ۱۳۸۸: ۱۴۵). در اصل سی و دوم قانون اساسی^۱ این مهم پیش‌بینی شده است و اصل را بر این گذاشته که نمی‌توان فرد را بازداشت کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون مشخص کرده است. براساس اصل سی و هفتم^۲ قانون اساسی، اصل بر برائت است و تا زمانی که حکم از سوی دادگاه صالح صادر نشود، آزادی‌های فرد را با توجه به اصل پیش نمی‌توان سلب کرد. پس هنگامی که در بازداشت موقت صراحتی بر ادامه بازداشت وجود ندارد، ادامه بازداشت متهم امری است که قبول آن از لحاظ قانونی بسیار دشوار است و باید از بازداشت در غیر موارد مصرح جلوگیری کرد.

- **اصل آزادی:** اصل آزادی در اعلامیه جهانی حقوق بشر^۳ به رسمیت شناخته شده است و علاوه بر آن در دین مبین اسلام بیش از ۱۴ قرن پیش برای آزادی افراد احترام قائل شده است. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الناس کلهم احرار الا من اقرّ علی نفسه بالعبودیه؛ تمامی مردم آزاد آفریده شده‌اند، مگر کسانی که از روی اختیار، بردگی را برای خود پذیرفته‌اند» (وسائل الشیعه، ج ۳: ۲۴۳). آزادی در اسلام دارای ابعاد مختلفی از جمله آزادی بیان، آزادی سیاسی و آزادی اندیشه است. یکی دیگر از این ابعاد که در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۴ نیز ذکر شده، آزادی شخصی است؛ به این معنا که هر انسانی مالک اختیاری سرنوشت خویش است و هیچ‌کس حق ندارد جان، مال و اختیار او را سلب کند. این اصل پذیرفته شده که منطبق بر سرشت انسانی است را تا

۱. هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم شود. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

۲. اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود.

3. Universal Declaration of Human Rights

۴. ماده سوم - هر فردی سزاوار و محق به زندگی، آزادی و امنیت فردی است.



سر حد امکان نباید محدود کرد و سیاست‌های قضایی نظام اسلامی را با توجه به این اصل تدوین کرد تا ضمن حفظ نظم عمومی، از ضربه زدن و محدود کردن بی‌جهت آزادی‌های انسانی جلوگیری شود. بازداشت احتیاطی از مواردی است که آزادی انسانی را محدود می‌کند. لذا باید حتی‌الامکان از به کار بردن این قرار کیفری و به خطر افتادن آزادی شخصی جلوگیری کرد.

– **سیاست‌های کلی نظام:** با توجه به بند ۱ اصل یک‌صد و ده قانون اساسی، مجمع تشخیص مصلحت نظام وظیفه مشاوره رهبری در اموری که ایشان به مجمع ارجاع می‌دهند را دارد. یکی از این امور، تعیین سیاست‌های کلی نظام در بخش‌های مختلف است. در همین راستا، جهت تعیین سیاست‌های کلی نظام در بخش قضایی، مصوباتی از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام وضع شده است. سیاست‌های کلی نظام در خصوص امنیت قضایی مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ یکی از این مصوبات مجمع است که نقشه راه بخش قضایی کشور است. بند ۱۶ این مصوبه اشعار می‌دارد: «تناسب جرم و جزا و اصلاح عناوین جرم و کاهش مجازات زندان و تبدیل آن به مجازات دیگر» حاکی از آن است که سیاست کلی نظام در بخش قضایی، بر کاهش تعداد زندانیان و حبس‌زدایی است. این مصوبه همان‌طور که گفته شد نه تنها در بخش تقنین بلکه در نظام قضایی کشور و در مقام رسیدگی و تعیین کیفر باید مدنظر قرار گیرد. قضات نه تنها در تعیین مجازات حبس، بلکه در حین انجام تحقیقات از تعداد قرارهای منجر به بازداشت متهم بکاهند تا جمعیت زندانیان و افراد تحت بازداشت کاهش یابد. همچنین، در بند ۱۲ سیاست‌های کلی پنج ساله قضایی ابلاغی تاریخ ۱۳۸۸/۹/۲ از سوی مقام معظم رهبری، به این موضوع اشاره شده بود که تدابیر لازم جهت استفاده از کیفر حبس با رویکرد حبس‌زدایی مورد توجه قرار گیرد. این سیاست ابلاغی اگرچه برای بازه زمانی پنج ساله بوده است، اما باید به این نکته توجه داشت که در زمان تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید یعنی قانون سال ۱۳۹۲ مجری بوده است و قطعاً توسط مقنن رعایت شده است و می‌تواند به تفسیر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ کمک شایانی بکند.

نتیجه‌گیری

بازداشت موقت مهم‌ترین قرار تأمین کیفری است که با سلب آزادی‌های متهم، مقام قضایی را در به نتیجه رساندن پرونده کمک می‌کند. در مقررات بین‌المللی و قوانین داخلی ایران نیز همواره سعی بر این بوده است که ضمن بیان دقیق ضوابط صدور قرار بازداشت موقت، این قرار به عنوان راهبردی مهم در فرآیند پیشبرد پرونده‌های کیفری محسوب شود. چنانچه صدور این قرار ضابطه‌مند نباشد، باعث آسیب به حقوق متهم و اصول حقوق کیفری می‌شود و ممکن است افراد را در معرض خودرأیی و تفسیرهای نابه‌جای مقامات قضایی یا سایر مقاماتی که در فرآیند پرونده دخالت دارند، قرار دهد.

در مورد تمدید قرار بازداشت موقت نیز مطالب فوق صادق است. مقنن سعی داشته ضمن بیان دقیق ضوابط تمدید قرار بازداشت موقت، مهلت‌های غایی را برای تمدید آن پیش‌بینی کند تا سلب آزادی و مصالح اجتماعی که در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، دستخوش تفاسیر مختلف قرار نگیرند. اما با وجود اهتمام مقنن، ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که شرایط تمدید بازداشت موقت را بیان می‌کند در معرض تفاسیر گوناگون قرار گرفته است. عده‌ای با تفسیر مضیق قانون و رعایت اصول حقوقی به جهت رعایت حقوق متهم و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی بیشتر این قرار، ادامه بازداشت موقت را جز در موارد مصرح قانونی جایز نمی‌دانند. در مقابل، برخی از حقوقدانان که رویه قضایی نیز بیشتر با آن‌ها هم‌جهت است، در موارد خاصی تداوم بازداشت متهم را جایز می‌دانند؛ چراکه مصالح اجتماعی، رعایت حقوق بزه‌دیده و لزوم کیفر ممکن است اقتضای تداوم بازداشت متهم را داشته باشد. قضات در تفسیر این ماده به لحاظ امکان تفسیرهای متفاوت از آن دچار مشکل می‌شوند و این می‌تواند رویه‌های متفاوتی را در محاکم پدید آورد که حق آزادی متهم را در معرض رویه‌ها و تفاسیر گوناگون جامعه حقوقی قرار دهد. به نظر می‌رسد قضات و حقوقدانان باید جهت رعایت حقوق متهم و جلوگیری از سایر پیامدهای تداوم طولانی بازداشت متهم از جمله مهم‌ترین آن آثار مخرب خانوادگی و اجتماعی، به قدر متیقن در تفسیر این ماده اکتفا کنند و شروط قسمت اخیر ماده ۲۴۲ را به صورت توأمان برای تداوم بازداشت به هر جهتی که باشد اجرا کنند.



پیشنهادها

- همان طور که پیش از این نیز بیان شد، عدم تداوم بازداشت متهم با اصول حقوقی، حقوق متهم، سیاست‌های نظام کیفری ایران و شرع مقدس هماهنگ‌تر است و باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از اتفاق جرم در جامعه می‌شود. لذا آنچه به نظر می‌رسد به طریق صواب نزدیک‌تر باشد این است که مقنن نظر خود را با اصلاح قانون به صورت واضح‌تر و دقیق‌تر بیان کند تا راه بر برداشت‌های متفاوت از قانون بسته شود و تداوم بازداشت موقت متهم تا سر حد امکان کاهش پیدا کند. قانون‌گذار می‌تواند با اصلاح قسمت اخیر ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری به اختلافات حاصل شده به نفع متهم پایان دهد و مقرر فرماید که: «... به هر حال، مدت بازداشت متهم به لحاظ صدور قرار بازداشت موقت یا سایر قرارهای تأمینی منتهی به بازداشت علاوه بر اینکه نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند، در جرائم موجب سلب حیات از دو سال و در سایر جرائم از یک سال تجاوز کند». با اضافه شدن عبارت «سایر قرارهای منتهی به بازداشت متهم»، از بازداشت مجدد متهم به لحاظ عجز از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه جلوگیری می‌شود. همچنین، ذکر قید «علاوه بر» در ماده باعث می‌شود که دو شرط مذکور برای تمدید بازداشت متهم، به صورت همزمان هم برای بازداشت موقت و هم سایر قرارهای منتهی به بازداشت متهم لحاظ شود و از تفسیرهای متفاوت جلوگیری کند.

- جهت رعایت مصالح قضایی و حقوق بزه‌دیده به خصوص در جرائم موجب سلب حیات، مقنن این امر را در مقررات دادرسی کیفری پیش‌بینی کند که چنان چه پرونده‌ای که متهم آن تحت هر قرار در بازداشت به سر می‌برد، اگر بعد از گذشت مهلتی معقول، منتهی به صدور رأی در مرحله بدوی نشود، ادامه رسیدگی به صورت خارج از نوبت صورت گیرد. البته پیش‌بینی تحقیقات خارج از نوبت در دادسرا به جهت فوری بودن تحقیقات مقدماتی خالی از وجه است، اما پیش‌بینی این امر در دادگاه منجر به سرعت بیشتر تا رسیدن به حکم می‌شود.



منابع

- قرآن کریم

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۷). *حقوق جزای عمومی*. جلد ۱. تهران: نشر میزان.
- آخوندی، محمد (۱۳۷۷). *آیین دادرسی کیفری*. جلد ۲. تهران: انتشارات سمت.
- آشوری، محمد (۱۳۸۰). *آیین دادرسی کیفری*. جلد ۲. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۶). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: انتشارات گنج دانش.
- حرّ العاملی، محمد ابن الحسن (بی تا). *وسائل الشعیه*. جلد ۳. بیروت: دار الحیاء التراث العربی.
- خالقی، علی (۱۳۹۷). *آیین دادرسی کیفری*. جلد ۱. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- خالقی، علی (۱۳۹۸). *نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- طهماسبی، جواد (۱۳۹۶). *آیین دادرسی کیفری*. جلد ۲. تهران: نشر میزان.
- عابدی، احمد رضا (۱۳۹۸). *آیین دادرسی کیفری*. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- عمید، حسن (۱۳۷۹). *فرهنگ فارسی عمید*. جلد ۲. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- قاضی «شریعت پناهی»، سید ابوالفضل (۱۳۸۸). *بایسته‌های حقوق اساسی*. تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر (زمستان ۱۳۵۸). *سوءاستفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق*. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*. دوره ۲۱.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۱). *قواعد فقه ۱*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- موسوی بجنوردی، محمد حسن (۱۳۸۹ ق). *القواعد الفقیه*. جلد ۱. نجف: مطبعة الآداب.
- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (محقق خوئی) (۱۴۲۲ ق). *مبانی تکملة المنهاج*. قم: مؤسسه احیاء آثار امام خوئی.
- میل، جان استوارت (۱۳۸۵). *رساله درباره آزادی* (جواد شیخ‌الاسلامی، مترجم). جلد ۵. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۲۷۳ ق). *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*. تهران: چاپ سنگی.